

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۲۴

موضوع: علل و ریشه‌های واقعه عاشورا در بیان حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه)

(سخنرانی در حرم مطهر حضرت معصومه به مناسبت اربعین حسینی)

فهرست مطالب این سخنرانی:

پیام سیدالشهدا (سلام الله علیه): نمی‌توان با گناه، شر و بلایی را از خود دور کرد!

علل و ریشه‌های دخیل در واقعه عاشورا در کلام سیدالشهدا (سلام الله علیه)

عامل اول: پیروی حاکمان اسلام از شیطان

عامل دوم: ظهور فساد در جامعه

عامل سوم: حلال شدن حرام الهی

عامل چهارم: تعطیلی حق و تعطیلی فریضه نهی از منکر

عامل پنجم: خلافت امثال یزید بر جامعه اسلامی

تحریک مسلمان علیه مسلمان؛ نقشه ریشه ای دشمنان اسلام

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة  
على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

ایام اربعین سرور آزادگان را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان و دل‌باختگان اهل‌بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. خدا را به آبروی حضرت سیدالشهداء و اهل‌بیتش سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب بزرگ و جانکاه، فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر قرار بدهد، ان شاءالله.

**پیام سیدالشهدا (سلام الله علیه): نمی‌توان با گناه، شر و بلایی را از خود دور کرد!**

قبل از آغاز سخن روایتی اخلاقی از امام حسین (علیه السلام) عرض کنم و محفل و قلبمان را با کلمات امام نور، حضرت سیدالشهداء نورانی کنیم. حضرت می‌فرماید:

**«مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَتْ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَجِيءِ مَا يَخْذَرُ»**

کسی که بخواهد با گناه و معصیت خداوند به نتیجه و هدفی برسد، خداوند مانع رسیدن به آن هدف می‌شود.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۳۷۳، ح ۳

حضرت می‌فرماید: کسی که بخواهد با دروغ گفتن، غیبت کردن یا ظلم کردن به اهداف دینی و یا دنیوی برسد، خداوند عالم در اثر این گناه، مانع رسیدن به آن هدف می‌شود.

همچنین اگر از ترس چیزی گناه می‌کند تا آن شر و فساد را از خود دور کند، خداوند عالم به خاطر اینکه بنده می‌خواهد با گناه شری را از خود برطرف کند، به همان شر، او را گرفتار می‌کند.

لذا ما باید تلاش کنیم در زندگی، جز صداقت با خداوند عالم و صفا با پروردگار جهانیان، راه دیگری را نپیماییم، زیرا تمام امور به دست خداوند عالم است.

## «أزمة الأمور طرا بیده»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص

۳۸۶، پ ۵

### «لا حول و لا قوة إلا بالله العظیم»

انسان شاید با دروغ گفتن بتواند چند صباحی اموالی جمع کند و به ظاهر می‌بیند به نتیجه‌ای هم رسیده است؛ ولی خدای ناخواسته یک مرتبه اتفاقی برایش می‌افتد که نه تنها سود حاصل از آن گناه و دروغ و غیبت و افترا و ظلم از دستش می‌رود، بلکه یک سری اموال دیگری هم هزینه می‌کند.

به عنوان مثال برای این شخص یک بیماری یا اتفاقی می‌افتد که اگر ده میلیون سود کرده است، سی میلیون هزینه می‌کند.

به قول معروف چوپانی بود که وقتی شیر گوسفندان را می‌دوشید، مقداری هم آب به آن اضافه می‌کرد. فرزند او همراه به او می‌گفت: این کار تو نتیجه ندارد. چوپان می‌گفت: اگر این مقدار شیر را بدوشم اینقدر سود به دست می‌آورم، اما اگر قدری آب به آن اضافه کنم سود بیشتری به دست می‌آورم.

روزی هوای بارانی گرفت، سیل آمد و تمام گوسفندان او را آب برد. چوپان نشسته بود، دو دستی بر سرش می‌زد و می‌گفت: این آب از کجا آمد؟ این سیل از کجا آمد؟ پسر او گفت: همان آب‌هایی که داخل شیر کرده بودی، تبدیل به سیل شد و تمام گوسفندان را برد!!

لذا امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید: نمی‌توان با گناه و معصیت به هدف رسید. نمی‌توان با گناه و معصیت، شر و بلا و فساد از خود دور کرد. این نکته اخلاقی از سرور آزادگان امام حسین بود.

## علل و ریشه‌های دخیل در واقعه عاشورا

موضوع بحثی که بنده تصمیم دارم به حول قوه الهی امشب و فرداشب در محضر بی‌بی دوعالم و شما عزیزان و گرامیان تقدیم کنم، دو موضوع اساسی است که کم به آن پرداخته می‌شود.

موضوع اول علل و ریشه‌های عاشوراست. در رابطه با اهداف عاشورا سخن زیاد گفته می‌شود. همچنین در مورد نتیجه عاشورا، فلسفه عاشورا، فلسفه قیام امام حسین در محافل و مجالس سخن به گستردگی مطرح می‌شود.

به نظر بنده حقیر، دو موضوع هست که غالباً مورد غفلت قرار گرفته و یا کم به آن پرداخته می‌شود. **موضوع اول** علل و ریشه‌های عاشوراست. یعنی چه عواملی دست به دست هم داد که بعد از پنجاه سال از رحلت نبی گرامی اسلام، این حادثه اسفناک اتفاق افتاد.

چه عواملی دست به دست هم داد تا مسلمانانی که نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، بعضی از آنها حافظ قرآن بودند یا اهل نماز شب بودند، در قتل امام حسین، فرزند پیغمبر اکرم شرکت کردند؟!

**موضوع دوم** که غالباً مغفولٌ عنه است یا کم به آن پرداخته می‌شود، این است که رمز جاودانگی قیام امام حسین چه بود؟ چه رمزی سبب شد تا در میان این همه قیام‌ها و این همه کشته‌ها و این همه شهادت‌ها، تنها شهادت امام حسین و یارانش در تاریخ جاودانه ماند؟

هرسال از عمر این تاریخ می‌گذرد، حادثه عاشورا تازه‌تر می‌شود و این قضیه بالندگی بیشتری پیدا می‌کند. علی‌رغم اینکه قبل از عاشورا اتفاق‌های جانگداز و دلخراشی افتاده بود.

در جنگ احد هفتاد نفر از بهترین یاران رسول گرامی اسلام به شهادت رسیدند و این قضیه به قدری جانگداز بود که وقتی خواهر، کنار جنازه برادر می‌آمد، او را نمی‌شناخت. دشمن تمام جنازه‌ها را قطعه قطعه کرده بود.

در جنگ احد، مادر، جنازه فرزند خود را نمی‌شناخت و دختر و پسر جنازه پدر را نمی‌شناختند، اما جنگ احد همانند واقعه عاشورا بالندگی نداشت و جاودانه نشد و تنها به عنوان یک حادثه تاریخی از کنار آن می‌گذریم.

همچنین در جنگ جمل سی هزار نفر از دو طرف مسلمان کشته شدند، اما جاودانگی عاشورا را نداشت. و یا در جنگ صفین در طول هجده ماه، صد و ده هزار نفر کشته شدند که همگی مسلمان بودند و یک نفر یهودی یا مسیحی یا کافر در میان آنها نبود، اما جاودانگی قیام عاشورا را نداشت.

چه اتفاقی در عاشورا افتاد و چه مسائلی دست به دست هم داد که عاشورا پس از گذشتن بیش از هزار و چهارصد سال، هر سال با گستردگی بیشتر و استقبال بیشتر مردم مواجه می‌شود!؟

قضیه راهپیمایی اربعین را مشاهده کنید که بعضی افراد حدس می‌زنند آمار زائرین از مرز بیست و پنج میلیون نفر تجاوز خواهد کرد. در همایش بزرگ حسینی افراد زیادی اعم از شیعه، سنی، مسیحی، یهودی، زرتشتی و حتی بودائی و هندوئی شرکت می‌کنند.

چه عوامل و جذبه‌ای در قیام امام حسین بود که بعد از گذشتن هزار و چهارصد سال هنوز تازگی دارد؛ گویا این قضیه یک روز یا یک ساعت قبل برای انسان اتفاق افتاده است.

شاید بسیاری از مصائب را صد بار شنیده باشید، اما برای صد و یکمین بار که می‌شنوید منقلب می‌شوید. همانطور که حمد و سوره که هر روز آن را در نماز می‌خوانید تازگی دارد، مصیبت امام حسین هم به همین شکل برای انسان تازگی دارد.

هرگاه پدر، برادر، فرزند، خواهر یا یکی از بستگان انسان از دنیا می‌رود بعد از گذشت یک سال یا دو سال یا پنج سال قلب انسان نسبت به او سرد می‌شود. این یکی از نکاتی است که باید خوب موشکافی و کالبدشکافی شود و برای مردم و جوانان بیان شود.

بنده امشب در رابطه با موضوع اول تلاش می‌کنم بعضی از مسائلی که عامل حادثه عاشورا و علت‌های به وجود آمدن عاشورا بود را به صورت فهرست‌وار اشاره کنم.

در این زمینه کتاب‌های زیادی نوشته شده است. «مرحوم هاشمی‌نژاد» کتابی به نام «درسی که حسین (علیه السلام) به انسان‌ها آموخت» دارد که بسیار خوب کار کرده است.

ایشان ریشه‌ها را بررسی کرده و عمدتاً روی انحراف‌هایی که بعد از رسول اکرم اتفاق افتاده است، کار کرده و آنها را ریشه عاشورا قرار داده است.

برادر عزیزمان آیت الله میلانی در این زمینه سخنان نبی گرامی اسلام بر اهمیت امامت را ملاک قرار داده و آنها را ریشه‌های عاشورا قرار داده است.

بنده می‌خواهم روش جدیدی که کاملاً عموم پسند و عموم فهم است را بررسی کنم. این روش را یک عامی درس نخوانده هم می‌فهمد و استاد دانشگاه و آیت الله و فرهیخته هم این روش را می‌فهمد.

بنده می‌خواهم از این کانال وارد شوم و آن این است که ما بیاییم علت و ریشه‌های جنگ را بررسی کنیم. وقتی دو نفر با هم دعوا می‌کنند، در وسط دعوا علت دعوا را روشن می‌کنند.

طرفین هرکدام می‌گویند که تو فلان حرف را به من زدی و فلان کار را کردی و طرف دیگر هم می‌گوید که تو فلان کار را کردی. در وسط نزاع و مخاصمه سخنان طرفین متخاصمین علت مخاصمه را خوب بیان می‌کنند. این یک روش روانشناختی است که اگر کسی بخواهد بفهمد علت دعوی دو نفر چیست، به حرف دو نفر خوب دقت می‌کند.

من در قضیه عاشورا هم نظرم این است که ببینیم امام حسین (علیه السلام) و یارانش در کربلا و قبل از کربلا چه مسائلی را مطرح کردند و دشمنان امام حسین چه مسائلی را مطرح کردند.

اگر ما سخنان امام حسین و سخنان دشمنان امام حسین را در حادثه عاشورا مورد مطالعه قرار بدهیم، به نظر بنده بهترین راه برای رسیدن به ریشه‌ها و علل به وجود آمدن حادثه عاشورا است.

بنده دو سه عبارت از امام حسین (علیه السلام) و دو سه عبارت از سپاه «عمر بن سعد» و دشمنان حضرت نقل می‌کنم. سپس روی آنها قدری مانور بدهیم، فکر کنیم و وجدانمان را ملاک قضاوت قرار بدهیم.

البته بنده در مطالبی که بیان می‌کنم، معمولاً با کتب شیعه کار ندارم. ما به سراغ کتب اهل سنت می‌رویم، زیرا عمدتاً طرف حساب ما که منکر این قضایا و قداستها هست وهابیت و اهل سنت هستند.

از باب «قاعده الزام» بهترین روش این است که از کتاب‌های آنها مطالب را بیان کنیم، زیرا هم برای آنها حجت است و هم برای جوانان ما حجت است. این عقاید افزون بر اینکه در کتب شیعه آمده است، در کتب اهل سنت هم آمده است.

### عامل اول: پیروی حاکمان اسلام از شیطان

«ابن اثیر» متوفای ۶۳۰ هجری کتابی به نام «الکامل فی التاریخ» دارد که کامل‌ترین تاریخی است که در قرن ششم و هفتم نوشته شده است.

این کتاب بعد از «طبری» و دیگران است و حتی «ابن کثیر» و «ابن خلدون» و دیگران قضاوت تاریخی خود را روی کتاب «الکامل فی التاریخ» اثر «ابن اثیر» قرار دادند.

ایشان در جلد سوم صفحه ۴۰۸ این سخن امام حسین را مفصل مطرح کرده است که علت قیام و علت حضور حضرت در کربلا و علت قضیه مواجهه با سپاه یزید را بیان می‌کند. او چند مسئله را مطرح می‌کند که بنده به صورت فهرست‌وار آنها را بیان می‌کنم. او می‌نویسد:

## «وإن هؤلاء قد لزموا طاعة الشيطان وتركوا طاعة الرحمن»

این جامعه پیرو اطاعت از شیطان هستند و اطاعت از خداوند را رها کردند.

جامعه‌ای که معاویه و یزید درست کرده است و پیشوایان و حاکمان آن همواره پیرو شیطان هستند و از طاعت رحمان اجتناب می‌کنند. جامعه امروز و جامعه‌ای که در رأس آن امرا و حکما هستند، جامعه اسلامی نیست و جامعه شیطانی است.

عامل دوم: ظهور فساد در جامعه

## «وأظهروا الفساد وعطلوا الحدود واستأثروا بالفيء»

امروز در جامعه اسلامی فساد گسترده شده و حدود الهی به فراموشی سپرده شده است.

عامل سوم: حلال شدن حرام الهی

مورد سوم که نقطه اساسی و می‌شود به عنوان یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های عاشر از او نام برد، چنین است:

## «وأحلوا حرام الله وحرموا حلاله»

این حکومت حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند.

الكامل في التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم

الشيبياني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٥ هـ، الطبعة: ط ٢، تحقيق: عبد الله القاضي، ج ٣،

ص ٤٠٨، باب ثم دخلت سنة إحدى وستين ذكر مقتل الحسين رضي الله عنه



جامعه‌ای که در آن حرام الهی حلال شود و ناپاکی‌ها به جای پاکی و نامقدس‌ها به جای مقدسی و حرمت‌ها به جای حلال‌ها و حلال‌ها به جای حرام بنشینند، دیگر برای امثال امام حسین و یارانش در این جامعه حرمتی نیست.

در این جامعه برای سرور آزادگان قداستی نیست، زیرا جامعه‌ای است که کاملاً از روح اسلام و دیانت اسلام فاصله گرفته است. بنابراین مشاهده کنید کسانی که برای قتل امام حسین در کربلا آمدند، اولین جمله‌ای که عمر بن سعد می‌گوید این است:

« یا خیل الله اركبي، وبالجنة أبعثي »

ای لشکریان الهی سوار بر اسب شوید و با کشتن امام حسین به شما بشارت بهشت می‌دهم.

اسد الغابة في معرفة الصحابة، اسم المؤلف: عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد الجزري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان - ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي؛ ج ٢، ص ٤٠١

مشاهده کنید کلام امام حسین که فرمود: «وأحلوا حرام الله وحرموا حلاله» چطور در این جامعه تبلور پیدا می‌کند. ببینید چطور کشتن امام حسین عامل ورود به بهشت است و سپاه‌یانی که برای قتل امام حسین شرکت می‌کنند، سپاه خدا می‌شوند!!

بدبختی جامعه این است که اگر در جامعه‌ای حقیقت‌ها وارونه شد و حقانیت‌ها کنار رفت و باطن‌ها جایگزین شد، قطعاً کشتن امثال امام حسین در آن جامعه یک مسئله ساده است.

از امام سجاد می‌پرسند: یابن رسول الله! ما شنیده‌ایم در روز عاشورا بعد از اینکه پدر بزرگوار شما بی‌رمق در گودی قتلگاه افتاده بود، و هیچگونه حرکت و مقاومتی نداشت، عده‌ای با شمشیر و نیزه و چوب و سنگ به بدن آن بزرگوار می‌زدند؛ این به چه جهت بود؟

انسان معمولاً به دشمن حمله می‌کند تا او را از کار بیندازد. حال نمی‌دانیم حمله به بدن بی‌رمق امام حسین که رمق و توان دفاع ندارد، چه معنایی دارد!! امام سجاد فرمود:

«كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ»

آن‌ها می‌خواستند با این کار به خدا تقرب بجویند.

الأمالی (للصدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، النص، ص: ۴۶۲

چه بسا روح از بدن مطهر امام خارج شده بود، ولی آنها شمشیر بر بدن بی‌رمق امام حسین می‌زدند قربة إلى الله!!!

یکی از عوامل جاودانگی قیام امام حسین هم همین قضیه است که بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام)، «عبیدالله بن زیاد» به «عمر بن سعد» نامه می‌نویسد تا دستور بدهید با اسب بر روی جنازه‌ها جولان بدهند و بدن‌ها زیر سُم اسب تکه تکه شود. این چه معنا دارد؟

یک مرتبه ما این عبارات را به عنوان مصیبت می‌خوانیم و گریه می‌کنیم و یک مرتبه به عنوان یک عبرت تاریخی و تحلیل تاریخی به آن نگاه می‌کنیم. نتیجه عبارت امام حسین که می‌فرماید: «وأحلوا حرام الله وحرموا حلاله» همین است!

مشکل، مشکل کشتن امام حسین نیست. مشکل تحریف و تزییع سنت پیغمبر اکرم است. روح و دیانت اسلام به طور کلی از این جامعه رخت بر بسته است.

## عامل چهارم: تعطیلی حق و تعطیلی فریضه نهی از منکر

روایت دیگر از قول آقای «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هجری از اعیان قرن چهارم هجری و استوانه‌های علمی اهل سنت بیان شده است. او کتابی به نام «المعجم الکبیر» دارد. میان اهل سنت مشهور است که تمام روایات این کتاب از ابتدا تا انتها معتبر است.

او در جلد سوم صفحه ۱۱۴ این عبارت را آورده است. لازم به ذکر است که «شیخ مفید» در کتاب «الإرشاد» و بزرگان شیعه همه این عبارت را آوردند و شما هم بارها آن را شنیده‌اید، اما شنیدن آن از کتب اهل سنت کم بوده است.

آقای «هیثمی» متوفای ۸۰۷ هجری کتابی به نام «مجمع الزوائد» دارد که در جلد ۹ صفحه ۱۹۲ همین روایت را از امام حسین (علیه السلام) آورده است.

آقای «ذهبی» سردسته نواصب در قرن هشتم و نهم کتابی به نام «سیر أعلام النبلاء» دارد که در جلد سوم صفحه ۳۱۰ هجری این عبارت را نقل است. همچنین ده‌ها شخصیت دیگر اهل سنت این عبارت را نقل کردند. حضرت می‌فرماید:

«أَلَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ»

آیا نمی‌بینید در این جامعه به حق عمل نمی‌شود و حق مورد غفلت قرار گرفته است؟

«وَالْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ»

مردم در عمل به باطل از همدیگر سبقت می‌گیرند.

المعجم الکبیر، اسم المؤلف: سلیمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبرانی، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۲۸۴۲

در جامعه‌ای که حق از آن رخت بر بسته و باطل به جای آن نشسته است، زمینه ساز شهادت امام حسین (علیه السلام) و دواندن اسب روی جنازه حضرت و اسارت آل الله را فراهم می‌کند و این مسائل برای آنها طبیعی و عادی است.

### عامل پنجم: خلافت امثال یزید بر جامعه اسلامی

نکته دیگری از سخنان امام حسین (علیه السلام) که می‌تواند ریشه‌های عاشورا را خوب برای ما ترسیم کند، این عبارت حضرت سیدالشهدا است که «ابن اعثم کوفی» متوفای ۳۱۴ هجری آن را بیان می‌کند.

او در زمان غیبت صغری زندگی می‌کرد و کتاب «الفتوح» او یکی از مصادر معتبر اهل سنت است. ایشان در جلد پنجم صفحه ۱۷ به صورت خیلی مفصل این جمله امام حسین را نقل می‌کند.

«مرحوم مجلسی»، «شیخ مفید» در کتاب «الإرشاد»، «سید بن طاووس» در کتاب «لهوف» و دیگر علمای شیعه این عبارت را آوردند، اما اینکه اهل سنت هم این عبارت را آورده باشند جالب است. حضرت می‌فرماید:

### «وعلى الإسلام السلام إذ قد بليت الأمة براع مثل يزید»

فاتحه اسلام با حاکم شدن شخصی همانند یزید خوانده می‌شود.

الفتوح؛ أحمد بن أعثم الكوفی، تحقیق: علی شیری، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱، ناشر: دار الأضواء

للطباعة والنشر والتوزيع، ج ۵، ص ۱۷، باب ذکر الكتاب إلى أهل البيعة بأخذ البيعة

به فرموده حضرت فاتحه اسلام خوانده می‌شود اگر کسی امثال یزید خلیفه پیغمبر اکرم و حاکم اسلامی شود.

البته "خلیفه پیغمبر اکرم" را از خودم عرض می‌کنم، زیرا این افراد خود را از پیغمبر اکرم بالاتر می‌دانستند.

در فرصتی مناسب بسیاری از مصادر بزرگ اهل سنت را بیان می‌کنم که یکی از اتفاقات مهم در اسلام و یکی از نقاط تاریک و فاجعه انگیز تاریخ است، این است که دودمان بنی امیه وقتی روی کار آمدند ننگشان می‌آمد که خود را خلیفه پیغمبر اکرم بدانند!!

آن‌ها می‌گفتند: "ما خلیفة الله هستیم". شما در اینترنت نامه «حجاج بن یوسف ثقفی» به حاکم وقت را جستجو کنید. او می‌نویسد: "رسول اکرم فرستاده خدا بود، اما آقای «عبدالملک مروان»! تو خلیفه خدا هستی. مقام خلیفه خدا از رسول خدا بالاتر است."

این مسائل ننگ است. این مسائل باید گفته شود. خدمت حضرت آیت الله جوادی آملی بودیم. ایشان اصرار می‌کردند که این قضایا را برای مردم بیان کنید، زیرا جوانان اهل سنت حق دارند این حقایق را بشنوند.

شما فردای قیامت مسئول هستید. فراتر از جوانان شیعه، جوانان اهل سنت هم باید بفهمند که چه اتفاقاتی افتاده است. در جامعه‌ای که کسی همانند یزید بن معاویه در رأس حکومت قرار می‌گیرد که به هیچ یک از مقدسات دینی پایبند نیست که با شعر مشهورش:

«لعبت هاشم بالملک بلا ملک جاء ولا وحی نزل»

شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، اسم المؤلف: عبد الحی بن أحمد بن محمد العکری الحنبلی، دار

النشر: دار بن کثیر - دمشق - ۱۴۰۶ هـ، الطبعة: ط ۱، تحقیق: عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، ج ۱،

ص ۶۹، باب سنة إحدى وستین

که اصلاً اصل رسالت را زیر سؤال می‌برد و برای کشته شدگانشان در بدر نوحه سرایی می‌کند و برای آنها افتخار آفرینی می‌کند و می‌گوید: ای کاش آنها بودند و به من می‌گفتند که خوب انتقام ما را گرفتی!!

نکات ظریفی در گوشه و کنار تاریخ است که معمولاً روی تحلیل‌ها کم به آنها رسیدگی می‌شود. بنابراین امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

### «وعلى الإسلام السلام إذ قد بليت الأمة براع مثل يزيد»

در جامعه‌ای که حاکمانی همانند یزید در آن حاکم باشند، باید فاتحه اسلام خوانده شود و دیگر در آن جامعه از اسلام خبری نیست. در آن جامعه چیز دیگری در لباس اسلام با روح کفر آمده است.

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه ۱۶ «نهج البلاغه» نسبت به ابوسفیان و معاویه و دیگران که در فتح مکه مسلمان شدند، با قسم شدید و غلیظ می‌فرماید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَشْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسَلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَاناً عَلَيْهِ  
أَظْهَرُوهُ»

قسم به خدایی که دانه را شکافت کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند، مسلمان نشدند و تنها کفر خود را مخفی کردند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ

۱۶

به عقیده حضرت، آنها تنها از ترس شمشیر سربازان اسلام کفر خود را مخفی کردند و امروز در جنگ صفین همان افراد در برابر ما قدرت نمایی می‌کنند.

این افراد تنها لباس و پرچم عوض کردند، زیرا بیست و یک سال با اسلام جنگیدند. آن‌ها سیزده سال در مکه با تمام توان با پیغمبر اکرم مبارزه کردند و هشت سال در مدینه تمام توان خود را برای نابودی اسلام و رسول الله به کار گرفتند.

آن‌ها در سال هشتم هجرت در برابر شمشیرهای برنده سربازان اسلام همگی تسلیم شدند و به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهند با اسلام مبارزه کنند، در زیر پرچم کفر محکوم به شکست هستند.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: کسانی که در جنگ صفین در برابر ما هستند، همان کسانی هستند که در جنگ احد و جنگ احزاب در سپاه دشمنان ما بودند و ما در رکاب پیغمبر اکرم با آنها جنگیدیم. این افراد تنها لباس عوض کردند!!

### تحریک مسلمان علیه مسلمان؛ نقشه ریشه ای دشمنان اسلام

عزیزان امروز هم دشمنان ما به خوبی فهمیدند که اگر سربازان اسرائیلی و اروپایی و آمریکایی با ما بجنگند، محکوم به شکست هستند.

تجربه نشان داده است در قضیه جنگ‌های صلیبی که بیش از دویست سال طول کشید، سربازان اروپایی وارد کشورهای اسلامی شدند و جز با شکست از منطقه بیرون نرفتند.

این افراد به این نتیجه رسیدند که اگر مسلمان را در برابر مسلمان قرار بدهند، موفق هستند. به همین خاطر وهابیت و بعضی از کشورهای منطقه در رأس آن عربستان سعودی را تحریک کردند و امکانات در اختیارشان قرار دادند. در نتیجه طالبان‌ها و داعش‌ها درست کردند تا بتوانند مسلمانان را به دست مسلمانان بکشند.

در ماه رمضان دو سال قبل نخست وزیر اسرائیل رسماً اعلام کرد که از هر طرف کشته شود به نفع ماست. اگر سنی، شیعه یا داعش کشته شود به نفع ماست.

زمانی که یک مسلمان روی زمین می‌افتد، ما به اندازه آن منفعت می‌بریم. چه کنیم که این افراد نمی‌فهمند، شعور ندارند و زیر پرچم آمریکا سینه می‌زنند و تملک می‌کنند.

آمریکا آنها را به بدترین وجه تهدید می‌کند و آنها را با "گاو شیرده" یا تعابیر ننگین دیگر مورد خطاب قرار می‌دهد، اما آنها هنوز از خواب بیدار نشدند و هنوز متوجه اشتباه خود نشدند. این افراد در این دوره اخیر تعدادی از بچه شیعه‌ها را تحریک کردند و به جان شیعه انداختند.

امروز دشمنان قضیه «احمد بصری» یا «احمد الحسن» یا «یمانی دروغین» یا «دجال» را علّم کردند و آنها را به جان شیعه انداختند. «یمانی‌ها» در طول راهپیمایی اربعین بزرگترین موکب را دارند. «موکب ۵۱۹» تنها موکبی است که به زائرین غذای گرم می‌دهند.

الحمدلله ما امسال با هماهنگی شورای مدیریت قم نزدیک به سیصد نفر از فضلا و اساتید حوزه علمیه را هماهنگ کردیم. آنها در منطقه آماده هستند و در برابر تبلیغات آنها تبلیغ می‌کنند.

«یمانی‌ها» تعدادی از جوانان ما را منحرف می‌کنند. آنها جوانان را داخل موکب خود می‌برند و به آنها وعده می‌دهند که با «احمد الحسن» فرستاده امام زمان بیعت کنید!!

اگر قرار باشد فرستاده امام زمان غائب باشد، امام زمان هم غائب است!! اگر قرار است کسی از طرف امام زمان بیاید و بخواهد برای حضرت بیعت بگیرد، بیاید بیعت بگیرد. چرا نمی‌آید!؟

بچه‌های ما علناً گفتند: «احمد بصری» که شما او را نماینده امام زمان و فرستاده امام زمان معرفی می‌کنید، مرتد و کافر است و تمام مقدسات قرآنی را زیر پا گذاشته است.

او ادعا می‌کند حضرت یونس در جهنم است و تا قیام قیامت در جهنم می‌سوزد. می‌گوید: حضرت ابراهیم مشرک بوده است. پیغمبر اکرم خاتم الأنبياء نیست. من «احمد الحسن» هم یکی از پیامبران هستم که مقام نبوت و رسالت را با هم دارم. یا ادعا می‌کند: امام حسین مشرک بوده است!!!



من نمی‌دانم این افراد می‌فهمند یا نمی‌فهمند؟ دشمن از تجربه تاریخ استفاده کرده است که اگر چند تن از جوانان شیعه را تحریک کند و بدعتی بگذارد که به وسیله آن میان شیعه و سنی اختلاف درست کند، زودتر به اهداف خود می‌رسد.

یکی از مشکلات ما این است که در رسانه‌ها و فضای مجازی اطلاع‌رسانی خوبی نمی‌کنیم. به تعبیر مقام معظم رهبری، امروز فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است، اما ما با بی‌توجهی از کنار آن رد می‌شویم.

«احمد الحسن» در سال ۱۴۲۶ قمری حدود ۱۵ سال قبل نامه نوشته بود و یکی از کسانی که نام او در نامه بود، اسم بنده بود که برای مناظره و دعوت بیعت فراخوانده بود.

ما هم بارها گفتیم حاضریم با ایشان مناظره و مباحثه کنیم تا ثابت کنیم ایشان مرتد بوده است، اما دریغ از یک جواب! آن‌ها چند تن از جوانان شیعه و ناآگاه و بی‌اطلاع را در گوشه و کنار به دام می‌اندازند و شروع به تحریک آنها می‌کنند.

ان شاءالله مابقی عرایض ما در رابطه با علل و ریشه‌های عاشورا فرداشب باشد و در خدمت شما عزیزان هستیم. ما امشب سخنان امام حسین را در ریشه‌های عاشورا بیان کردیم و فرداشب هم سخنان دشمنان امام حسین را بیان خواهیم کرد که چرا با امام حسین جنگیدند.

فرداشب می‌خواهیم ببینیم گناه و جرم امام حسین چه بود و دشمنان روی چه اصل و معیاری به کربلا آمده بودند؟! که ان شاءالله فردا شب در خدمت شما عزیزان هستیم.

وقت ما تمام شده است و عزیزان برای ذکر مصیبت برنامه دارند. بنده تنها چند دعا کنم و عزیزان آمین بگویید.

خدایا به آبروی حضرت سیدالشهدا و اهل‌بیتش تو را سوگند می‌دهیم، خدایا به مضطرات قیام عاشورا و این قافله خسته و دل شکسته امام حسین تو را سوگند می‌دهیم که هرچه سریع‌تر فرج مولایمان حضرت صاحب‌الزمان را نزدیک بگردان.

خدایا ما را از یاران خاص حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقیة الله الأعظم متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل‌بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا به آبروی امام حسین رفع گرفتاری از همه بفرما. خدایا گرفتاری‌های ما را برطرف کن. خدایا حوائج ما را برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته